



گفت‌وگو با دکتر «محمدعلی رضایی» رییس کمیسیون کشاورزی اتاق ایران

## بخش خصوصی آماده سرمایه‌گذاری و نوآوری

جذب سرمایه در بخش کشاورزی با چالش‌های متعدد و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری روبه‌رو است. با وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی در طیف گسترده‌ای از محصولات کشاورزی، اما بدون همکاری مؤثر دولت و ایجاد فضای مناسب برای سرمایه‌گذاری در زنجیره ارزش کشاورزی، مشکلات مبتلابه در فضای کشاورزی کشور همچنان تکرار خواهد شد.

ناترازی در تولیدات اساسی کشاورزی و تولید حتی بدون صرفه اقتصادی پاره‌ای محصولات غیراساسی، قابل توجه است. در زمینه خودکفایی محصولات اساسی کشاورزی بویژه محصولات غذایی لازم است با نگاه واقع‌بینانه و استراتژیک به منابع موجود، نیازهای داخلی و روندهای جهانی اقدام شود. خودکفایی زمانی به‌طور واقعی قابل تحقق است که با سیاست‌های عملی پایدار و با حمایت از بخش خصوصی همراه باشد تا بتوان از منابع محدود به بهترین شکل استفاده کرد.

ما در استفاده از تکنولوژی‌های برتر امروز کشاورزی جهان در فاصله قابل‌توجهی از کشورهای پیشرفته قرار داریم، اما بخش خصوصی ظرفیت لازم برای به‌کارگیری فناوری‌های برتر را دارد که این امر در گرو فراهم کردن بسترهای مناسب برای دسترسی به منابع مالی، آموزش و انتقال دانش از کشورهای پیشرفته است. در ضمن بخش خصوصی معتقد به رویکرد تحقیقاتی به سمت امور عملی و روزمره کشاورزان است و از آنجا که برنامه‌های حمایتی دولت تاکنون به شایستگی به خلق ثروت و توسعه پایدار بخش کشاورزی نینجامیده است، لذا تغییر در رویکرد به سمت حمایت‌های هدفمند، پایدار، بازار محور و مبتنی بر نوآوری نیز ضرورت دارد.

در ادامه، مشروح توضیحات و نقطه نظرات دکتر محمدعلی رضایی، رییس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در پاسخ به پرسش‌های ما آمده است.



◆ بر اساس آمار FAO سالانه ۳۵-۳۰ درصد محصولات کشاورزی ایران به هدر می‌رود، این سؤال بسیار جدی مطرح است که با وجود آگاهی بر این مسئله، در طول دهه‌ها، مسئولان تنها به تکرار و استمرار عالمانه در موضوع وجود مسئله و راه‌حل‌های آن داد سخن می‌دهند، چرا چاره‌ای نمی‌شود؟ هدررفت ۳۰-۳۵ درصد از محصولات کشاورزی ایران یک معضل بزرگ است که علیرغم آگاهی نسبت به آن، همچنان در طول دهه‌ها حل نشده باقی‌مانده است. از دیدگاه بخش خصوصی، چند عامل کلیدی در عدم چاره‌جویی واقعی برای این مشکل وجود دارد:

۱. نبود هماهنگی میان بخش‌های دولتی و خصوصی یکی از مشکلات اصلی این است که تصمیم‌گیری‌ها اغلب به صورت متمرکز و بدون توجه به نیازها و توانایی‌های بخش خصوصی انجام می‌شود. بخش خصوصی می‌تواند در بهبود زنجیره تأمین و کاهش هدررفت‌ها نقش مهمی ایفا کند، اما عدم مشارکت فعال و کارآمد آن در تصمیم‌گیری‌ها باعث عدم اجرای راه‌حل‌های عملیاتی شده است.
۲. کمبود زیرساخت‌ها و فناوری‌های مناسب بسیاری از مشکلات در بخش کشاورزی

ویژه‌ای را برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی فراهم کرده است. همچنین نیروی کار نسبتاً ارزان و تجربه طولانی‌مدت در کشت و تولید محصولات کشاورزی از دیگر مزایای این بخش به شمار می‌آیند، اما جذب سرمایه در بخش کشاورزی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها نبود سیاست‌های پایدار و حمایت کافی از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است. قوانین متغیر و عدم اطمینان از آینده بازارها، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، کمبود زیرساخت‌های مدرن کشاورزی، بویژه در حوزه مکانیزاسیون و آبیاری هوشمند باعث کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌های تولید می‌شود. همچنین مشکلاتی نظیر دسترسی محدود به منابع مالی و تسهیلات بانکی مناسب برای بخش خصوصی، از موانع جدی در مسیر جذب سرمایه‌گذاری هستند. بسیاری از سرمایه‌گذاران به دلیل عدم دسترسی به وام‌های با بهره پایین یا نبود مشوق‌های مالیاتی مناسب، تمایلی به ورود به این حوزه ندارند. در نهایت، مشکلات زیست‌محیطی مانند کمبود منابع آبی و فرسایش خاک نیز چالش‌هایی هستند که می‌توانند پایداری و سودآوری سرمایه‌گذاری در کشاورزی را تهدید کنند.

از منظر علمی، نمی‌توان انتظار داشت که کشور در تمامی محصولات اساسی به خودکفایی کامل برسد، زیرا برخی محصولات نیاز به منابعی دارند که ایران به دلیل اقلیم خشک و نیمه‌خشک دسترسی کافی به آن‌ها ندارد. به جای تمرکز بر خودکفایی در تمام محصولات، بخش خصوصی پیشنهاد می‌کند که مزیت‌های نسبی محصولاتی مانند زعفران، پسته، خرما و محصولات باغی که در شرایط خاص کشور قابل تولید هستند، اولویت داده شوند.

### ◆ ناترازی در تولیدات اساسی کشاورزی و تولید محصولات غیراساسی بیش از حد نیاز و حتی عدم صرفه اقتصادی برداشت و نابودسازی تولید، چرا؟

ناترازی در تولیدات اساسی کشاورزی و تولید بیش‌ازحد محصولات غیراساسی به چندین عامل کلیدی برمی‌گردد. از جمله این عوامل، نبود هماهنگی میان سیاست‌های دولتی، نیازهای بازار و ظرفیت‌های تولیدی است. آمارهای نادرست یا ناکافی درباره نیازهای واقعی بازار و پیش‌بینی‌های نادرست از تقاضای جهانی و داخلی باعث می‌شود تولید برخی محصولات بیش از حد نیاز انجام شود، درحالی‌که محصولات اساسی با کمبود مواجه می‌شوند. سیاست‌های اقتصادی ناپایدار از جمله قیمت‌گذاری دستوری و یارانه‌های ناکارآمد نیز انگیزه تولیدکنندگان را به سمت محصولات می‌برد که ممکن است در کوتاه‌مدت سودآور باشند، اما در بلندمدت توجیه اقتصادی ندارند. علاوه بر این، مشکلاتی مانند کمبود نهاده‌های کشاورزی و بحران‌های زیست‌محیطی بویژه کمبود آب، این ناترازی را تشدید می‌کند. برای مقابله با این چالش‌ها، نیاز به یک برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ بین سیاست‌گذاران و فعالان بخش خصوصی است تا توازن میان تولیدات اساسی و غیراساسی به دست آید.

◆ امروز مزیت‌های تولید کشاورزی در کشور چیست و جذب سرمایه در بخش کشاورزی با چه چالش‌هایی روبه‌رو است؟ مزیت‌های تولید کشاورزی در کشور از نگاه بخش خصوصی به چند عامل کلیدی برمی‌گردد. یکی از مهم‌ترین مزیت‌ها، تنوع اقلیمی ایران است که به بخش خصوصی این امکان را می‌دهد تا در طیف گسترده‌ای از محصولات کشاورزی سرمایه‌گذاری کند. تولید محصولات با ارزش افزوده بالا نظیر زعفران، پسته و خرما که در بازارهای جهانی تقاضای قابل‌توجهی دارند، فرصت‌های

به ضعف در زیرساخت‌ها برمی‌گردد. نبود سیستم‌های مدرن ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل و بسته‌بندی محصولات کشاورزی به هدررفت بالا منجر می‌شود. درحالی‌که بخش خصوصی آمادگی دارد تا در این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری کند، اما به دلیل نبود حمایت‌های لازم و بوروکراسی پیچیده، انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری وجود ندارد.

### ۳. سیاست‌های ناکارآمد و کوتاه‌مدت

بسیاری از اقدامات و سیاست‌هایی که توسط مسئولان مطرح می‌شود، در نهایت به دلیل ناپایداری و تغییرات مکرر قوانین یا نبود رویکردهای بلندمدت به نتیجه نمی‌رسد. همچنین، اجرای این سیاست‌ها بدون هماهنگی با فعالان بخش خصوصی باعث می‌شود که تأثیرات مثبت آن‌ها محدود و ناکارآمد باشد.

### ۴. نبود سرمایه‌گذاری در آموزش و افزایش بهره‌وری

یکی از عوامل هدررفت محصولات، روش‌های سنتی و ناکارآمد تولید و برداشت است. اگرچه بخش خصوصی تمایل به به‌کارگیری فناوری‌های جدید و ارتقاء سطح مهارت نیروی کار دارد، اما عدم توجه به تأمین مالی و مشوق‌های کافی برای این حوزه باعث می‌شود که نوآوری‌ها و بهره‌وری در حد مطلوبی رشد نکند. در نهایت، بدون همکاری مؤثر بین بخش خصوصی و دولت و ایجاد فضای مناسب برای سرمایه‌گذاری در زنجیره ارزش کشاورزی، این مشکل همچنان تکرار خواهد شد.

### ◆ در موضوع خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی بویژه محصولات غذایی در کشور با توجه به جنبه‌های علمی و عملی چه نقطه نظرانی را ارائه می‌نماید؟

در بحث خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی، بویژه محصولات غذایی، لازم است که از منظر بخش خصوصی جنبه‌های علمی و عملی به‌دقت بررسی شود. این امر

نیازمند نگاهی واقع‌بینانه و استراتژیک به منابع موجود، نیازهای داخلی و روندهای جهانی است. در ادامه برخی از نقطه نظرات کلیدی ارائه می‌شود:

### ۱. تمرکز بر مزیت‌های نسبی و شرایط اقلیمی

از منظر علمی، نمی‌توان انتظار داشت که کشور در تمامی محصولات اساسی به خودکفایی کامل برسد، زیرا برخی محصولات نیاز به منابعی دارند که ایران به دلیل اقلیم خشک و نیمه‌خشک دسترسی کافی به آن‌ها ندارد. به‌جای تمرکز بر خودکفایی در تمام محصولات، بخش خصوصی پیشنهاد می‌کند که مزیت‌های نسبی محصولاتی مانند زعفران، پسته، خرما و محصولات باغی که در شرایط خاص کشور قابل تولید هستند، اولویت داده شوند.

### ۲. بهینه‌سازی منابع آبی و خاکی

از جنبه علمی، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در مسیر خودکفایی، مسئله محدودیت منابع آب‌و‌خاک است. بخش خصوصی بر این باور است که به‌کارگیری فناوری‌های نوین در مدیریت آب، نظیر آبیاری هوشمند و کاهش هدررفت، می‌تواند نقش کلیدی در بهبود بهره‌وری منابع و دستیابی به خودکفایی در برخی محصولات ایفا کند. همچنین، استفاده از تکنیک‌های کشاورزی پایدار و حفاظت از خاک نیز از اولویت‌های عملی است که باید در نظر گرفته شود.

در کشاورزی مدرن جهان، از داده‌های ماهواره‌ای، هوش مصنوعی و اینترنت اشیاء (IoT) برای مدیریت بهتر منابع و افزایش بهره‌وری استفاده می‌شود. این فناوری‌ها به کشاورزان کمک می‌کند تا میزان مصرف آب، کود و سموم را بهینه‌سازی کنند و تولیدات خود را افزایش دهند. در ایران، ورود به این حوزه‌ها هنوز در مراحل ابتدایی است و بسیاری از کشاورزان به فناوری‌های هوشمند دسترسی ندارند.

۳. توسعه زنجیره تأمین و صنایع تبدیلی خودکفایی فقط به معنای تولید محصول نیست؛ بلکه ایجاد زنجیره تأمین کارآمد و تقویت صنایع تبدیلی برای نگهداری، فرآوری و توزیع محصولات کشاورزی نیز ضروری است. بخش خصوصی معتقد است که سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها می‌تواند از هدررفت محصولات جلوگیری کند و به افزایش ارزش افزوده تولیدات داخلی کمک کند.

### ۴. همکاری بین دولت و بخش خصوصی

دستیابی به خودکفایی نیازمند همکاری نزدیک و مؤثر بین دولت و بخش خصوصی است. دولت باید سیاست‌های حمایتی پایدار و محیط مناسب برای سرمایه‌گذاری را فراهم کند. بخش خصوصی نیز با نوآوری، سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری فناوری‌های جدید می‌تواند بهره‌وری تولید را افزایش دهد. بدون این همکاری، اهداف خودکفایی به دلیل ناپایداری سیاست‌ها و عدم حمایت عملی محقق نخواهد شد.

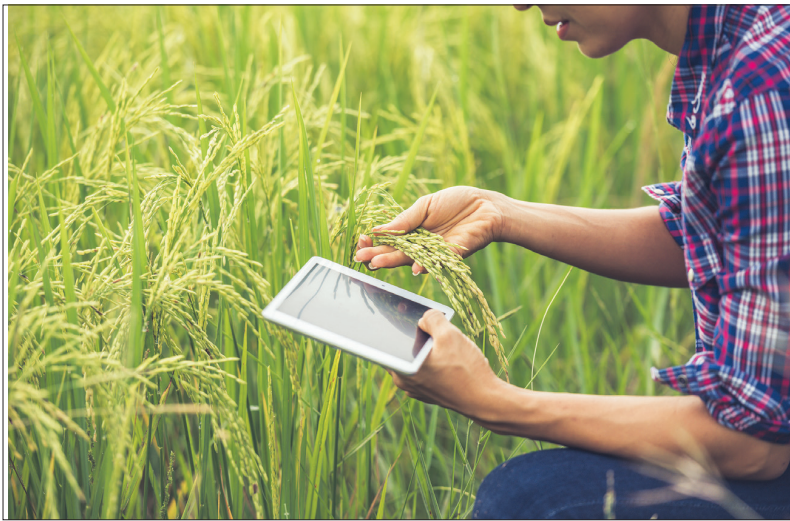
### ۵. اقتصاد بازار محور و صادرات محور

خودکفایی نباید به معنای انزوا از بازارهای جهانی باشد. تولید محصولاتی که علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، توانایی رقابت در بازارهای جهانی را دارند، می‌تواند منجر به رشد اقتصادی و کاهش وابستگی به واردات شود. بخش خصوصی تأکید دارد که توجه به بازارهای صادراتی و سیاست‌های تشویقی برای صادرکنندگان می‌تواند نقش کلیدی در این راستا داشته باشد.

در نهایت، خودکفایی زمانی به‌طور واقعی قابل تحقق است که به همراه سیاست‌های عملی پایدار و با حمایت از بخش خصوصی همراه باشد تا بتوان از منابع محدود به بهترین شکل استفاده کرد و تولید پایدار و اقتصادی داشت.

### ◆ در استفاده از تکنولوژی‌های برتر در حوزه کشاورزی چه فاصله‌ای از کشاورزی موفق جهان داریم؟

در حوزه استفاده از تکنولوژی‌های برتر



### ♦ آیا می‌توان گفت که تحقیقات و نتایج آن در حوزه کشاورزی چقدر به دست کشاورزان رسیده و عملیاتی می‌شود؟

در ایران، فاصله بین تحقیقات علمی در حوزه کشاورزی و بهره‌گیری عملی از این تحقیقات توسط کشاورزان هنوز چالش‌برانگیز است. از منظر بخش خصوصی، چند عامل کلیدی وجود دارد که باعث می‌شود نتایج تحقیقات به‌طور کامل به دست کشاورزان نرسد یا به شکل عملیاتی اجرا نشود:

#### ۱. فقدان ارتباط مؤثر بین پژوهشگران و کشاورزان

یکی از مشکلات اصلی این است که میان محققان و کشاورزان شکاف وجود دارد. تحقیقات علمی اغلب در محیط‌های دانشگاهی یا آزمایشگاهی انجام می‌شود، درحالی‌که کشاورزان به راهکارهای عملی و تجربی نیاز دارند. این شکاف باعث می‌شود که بسیاری از نتایج تحقیقاتی به شکل مؤثر و عملی به کشاورزان نرسد.

#### ۲. عدم ترویج مناسب و آموزش ناکافی

سیستم‌های ترویج و آموزش کشاورزی در ایران به‌اندازه کافی کارآمد نیستند. بسیاری از کشاورزان، بویژه در مناطق دورافتاده به منابع اطلاعاتی و آموزش‌های عملی دسترسی ندارند. بخش خصوصی تأکید می‌کند که ترویج نتایج تحقیقاتی و انتقال

در سطح جهانی، استفاده از فناوری‌های ژنتیکی برای تولید محصولات مقاوم در برابر شرایط آب و هوایی نامطلوب، آفات و بیماری‌ها به‌سرعت در حال گسترش است. ایران در این حوزه نیز با فاصله‌ای قابل‌توجه مواجه است، چراکه قوانین و مقررات سخت‌گیرانه، همچنین کمبود سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D)، مانع پیشرفت در استفاده از این فناوری‌ها شده است. بخش خصوصی در این زمینه نیاز به حمایت‌های قانونی و تحقیقاتی دارد.

#### ۵. زنجیره تأمین و صنایع تبدیلی

کشورهای موفق در کشاورزی به‌شدت بر توسعه زنجیره تأمین و صنایع تبدیلی تمرکز دارند تا از هدررفت محصولات جلوگیری کنند و ارزش افزوده بالاتری ایجاد کنند. در ایران، به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها، بخشی از تولیدات کشاورزی از بین می‌رود. با توسعه صنایع تبدیلی مدرن و استفاده از فناوری‌های بسته‌بندی و نگهداری محصولات، این مشکل می‌تواند کاهش یابد.

بخش خصوصی در ایران پتانسیل لازم برای به‌کارگیری فناوری‌های برتر را دارد، اما این امر مستلزم فراهم کردن بسترهای مناسب، مانند دسترسی به منابع مالی، آموزش و انتقال دانش از کشورهای پیشرفته است.

کشاورزی، فاصله ایران از کشورهای پیشرفته جهان قابل‌توجه است. این فاصله از چند جنبه قابل‌بررسی است:

#### ۱. مکانیزاسیون و فناوری‌های مدرن کشاورزی

کشورهای موفق در کشاورزی به‌طور گسترده از ماشین‌آلات و تجهیزات مدرن برای کاشت، برداشت و فرآوری محصولات استفاده می‌کنند. در ایران بویژه در برخی مناطق، هنوز بخش قابل‌توجهی از کشاورزی به‌صورت سنتی و با بهره‌وری پایین انجام می‌شود. بخش خصوصی بارها اعلام کرده که یکی از دلایل اصلی این عقب‌ماندگی، کمبود سرمایه‌گذاری در مکانیزاسیون است. اگرچه تلاش‌هایی برای به‌روز کردن فناوری‌های کشاورزی صورت گرفته، اما این فرآیند با چالش‌های مالی و زیرساختی روبه‌رو است.

#### ۲. استفاده از داده‌ها و کشاورزی هوشمند

در کشاورزی مدرن جهان، از داده‌های ماهواره‌ای، هوش مصنوعی و اینترنت اشیاء (IoT) برای مدیریت بهتر منابع و افزایش بهره‌وری استفاده می‌شود. این فناوری‌ها به کشاورزان کمک می‌کند تا میزان مصرف آب، کود و سموم را بهینه‌سازی کنند و تولیدات خود را افزایش دهند. در ایران، ورود به این حوزه‌ها هنوز در مراحل ابتدایی است و بسیاری از کشاورزان به فناوری‌های هوشمند دسترسی ندارند. بخش خصوصی در این زمینه نیاز به حمایت‌های مالی و آموزشی بیشتری دارد تا بتواند به‌طور مؤثر از این تکنولوژی‌ها استفاده نماید.

#### ۳. بهره‌برداری پایدار از منابع

در کشورهای پیشرفته، استفاده از تکنولوژی‌های برتر به مدیریت پایدار منابع آب‌و‌خاک کمک می‌کند. در ایران، با توجه به بحران‌های زیست‌محیطی بویژه کمبود آب، استفاده از فناوری‌های مدیریت منابع آب و کشاورزی پایدار بسیار اهمیت دارد. با این حال، به دلیل کمبود دسترسی به تکنولوژی‌های نوین و هزینه‌های بالای آن‌ها، بسیاری از کشاورزان ایرانی همچنان به روش‌های سنتی وابسته‌اند.

#### ۴. فناوری‌های ژنتیک و تولید محصولات مقاوم

دانش به کشاورزان از طریق شبکه‌های آموزشی و همکاری‌های نزدیک‌تر میان دولت و بخش خصوصی باید بهبود یابد.

### ۳. کمبود امکانات و منابع مالی

حتی زمانی که کشاورزان از نتایج تحقیقات مطلع می‌شوند، اغلب به دلیل کمبود منابع مالی یا تجهیزات لازم نمی‌توانند آن‌ها را در مزارع خود اجرا کنند. به‌روزرسانی فناوری‌ها یا استفاده از روش‌های نوین، نیاز به سرمایه‌گذاری دارد و کشاورزان کوچک یا متوسط معمولاً از این نظر محدودیت دارند. بخش خصوصی بارها تأکید کرده است که نیاز به مشوق‌ها و تسهیلات مالی بیشتر برای اجرای فناوری‌ها و روش‌های جدید وجود دارد.

### ۴. عدم هماهنگی بین سیاست‌های کشاورزی و نتایج تحقیقات

در بسیاری از موارد، سیاست‌های دولتی یا برنامه‌های حمایتی از بخش کشاورزی با نتایج تحقیقات علمی هماهنگ نیستند؛ این امر باعث می‌شود که حتی اگر پژوهش‌های علمی به نتایج کاربردی و مفیدی برسند، در سطح سیاست‌گذاری به‌درستی پشتیبانی نشوند و کشاورزان نتوانند به‌طور عملی از آن‌ها بهره‌مند شوند.

### ۵. فقدان سرمایه‌گذاری در تحقیقات کاربردی و عملیاتی

تحقیقات علمی در ایران بیشتر بر جنبه‌های

نظری متمرکز است و کمتر به تحقیقات کاربردی که بتواند به شکل عملی در مزارع پیاده‌سازی شود، توجه شده است. بخش خصوصی معتقد است که نیاز به تغییر رویکرد تحقیقاتی به سمت مسائل عملی و روزمره کشاورزان است.

در نهایت، برای آنکه تحقیقات علمی به شکل عملیاتی به دست کشاورزان برسد، باید همکاری نزدیک‌تری میان مراکز تحقیقاتی، دولت و بخش خصوصی برقرار شود. از سوی دیگر، تقویت سیستم‌های آموزشی و ترویج کشاورزی همراه با سرمایه‌گذاری مناسب در فناوری و نوآوری می‌تواند این فاصله را کاهش دهد و نتایج پژوهش‌ها را به کشاورزی عملی تبدیل کند.

### ♦♦ با وجود نگاه سنتی و کاستی‌های فراوان در بخش کشاورزی، این بخش در تولید ناخالص داخلی و اشتغال پیشگام است، با ایجاد و توسعه کشاورزی مدرن چه مقایسه‌ای بین وضع موجود و استقرار کشاورزی مدرن در کشور دارید؟

بخش کشاورزی ایران با وجود کاستی‌ها و نگاه سنتی، همچنان سهم قابل‌توجهی در تولید ناخالص داخلی (GDP) و اشتغال دارد. این نشان‌دهنده اهمیت این بخش در اقتصاد کشور است، اما اگر کشاورزی مدرن به‌طور کامل در ایران پیاده‌سازی شود،

مقایسه وضع موجود با شرایط احتمالی آینده، نشان‌دهنده تحولات بزرگی خواهد بود. در ادامه، این مقایسه از منظر بخش خصوصی ارائه می‌شود:

#### ۱- بهره‌وری و تولید

• **وضع موجود:** کشاورزی سنتی به دلیل استفاده ناکافی از فناوری‌های مدرن، بهره‌وری پایین‌تری دارد. بخش بزرگی از مزارع هنوز با روش‌های قدیمی مدیریت می‌شوند و به‌کارگیری ماشین‌آلات و فناوری‌های نوین محدود است.

• **کشاورزی مدرن:** با به‌کارگیری تکنولوژی‌های پیشرفته مانند آبیاری هوشمند، مکانیزاسیون پیشرفته، استفاده از داده‌ها و کشاورزی دقیق، بهره‌وری به طرز چشمگیری افزایش می‌یابد. این امر منجر به تولید بیشتر با منابع کمتر (بویژه آب) می‌شود و می‌تواند به‌طور مستقیم بر افزایش تولید ناخالص داخلی تأثیر بگذارد.

#### ۲- اشتغال و کیفیت نیروی کار

• **وضع موجود:** بخش کشاورزی سنتی با وجود ایجاد اشتغال فراوان، عمدتاً نیروی کار غیرماهر و کار فیزیکی سنگین را درگیر می‌کند. کشاورزان اغلب فاقد آموزش‌های فنی پیشرفته و دسترسی به فناوری‌های روز هستند.

• **کشاورزی مدرن:** اگر کشاورزی مدرن توسعه یابد، نوع اشتغال تغییر می‌کند. اشتغال در بخش‌های دانش‌بنیان و تکنولوژی محور افزایش می‌یابد و نیاز به نیروی کار ماهر و تحصیل‌کرده بیشتر خواهد شد. این تغییر می‌تواند کیفیت اشتغال را افزایش دهد و به ایجاد مشاغل با درآمد بالاتر و پایدارتر منجر شود.

#### ۳- صرفه‌جویی در منابع و پایداری محیط‌زیست

• **وضع موجود:** در کشاورزی سنتی، استفاده ناپایدار از منابع بویژه منابع آب‌و خاک مشاهده می‌شود. مصرف بی‌رویه آب، تخریب خاک و استفاده نادرست از کود و سموم شیمیایی از مشکلات اصلی است.

• **کشاورزی مدرن:** کشاورزی مدرن به حفظ و بهره‌وری بیشتر از منابع طبیعی می‌پردازد.



ارزیابی حمایت دولت از بخش کشاورزی بویژه از دیدگاه بخش خصوصی، نشان می‌دهد که تلاش‌هایی برای پشتیبانی از کشاورزان انجام شده است، اما برنامه‌های حمایتی فعلی در بسیاری از موارد ناکارآمد بوده و نتوانسته به‌طور کامل به خلق ثروت و توسعه پایدار کشاورزی کمک کند. **برخی نقاط ضعف و چالش‌های موجود به شرح زیر است:**

#### ۱- هدف‌گیری نامناسب برنامه‌های حمایتی

بسیاری از برنامه‌های حمایتی دولت در بخش کشاورزی به دلیل عدم هدف‌گذاری دقیق، تأثیر مطلوبی نداشته است. تسهیلات مالی، یارانه‌ها و قیمت‌گذاری‌ها گاهی به گروه‌هایی می‌رسد که نیازمند واقعی حمایت نیستند و از سوی دیگر، کشاورزان کوچک و متوسط که بیشترین آسیب را می‌بینند از این حمایت‌ها به‌خوبی بهره‌مند نمی‌شوند. هوشمندانه نبودن این برنامه‌ها باعث هدررفت منابع و ایجاد انحراف در بازار شده است.

#### ۲- تمرکز بر مداخلات کوتاه‌مدت

بسیاری از برنامه‌های دولت متمرکز بر مداخلات کوتاه‌مدت است؛ مانند کنترل قیمت‌ها یا اعطای یارانه‌های مقطعی که تنها در کوتاه‌مدت به کمک کشاورزان می‌آیند. در عوض، کمتر بر سیاست‌های بلندمدت که به افزایش بهره‌وری، بهبود زیرساخت‌ها و توسعه فناوری‌ها منجر می‌شود، تمرکز می‌شود. این رویکرد، بخش کشاورزی را به‌شدت وابسته به حمایت‌های لحظه‌ای دولت کرده و استقلال و توانمندی آن را تحت تأثیر قرار داده است.

#### ۳- نبود انسجام در سیاست‌های حمایتی

یکی از چالش‌های دیگر، نبود انسجام و هماهنگی میان سیاست‌های مختلف دولتی است. برخی از سیاست‌ها در یک حوزه (مثلاً آب) ممکن است با سیاست‌های حوزه‌های دیگر (مانند تولید محصولات خاص) در تضاد باشد. این عدم هماهنگی باعث می‌شود که نتایج مطلوب به دست نیاید و کشاورزان سردرگم شوند.

با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند. **کشاورزی مدرن:** با توسعه کشاورزی مدرن و بهبود بهره‌وری، درآمد کشاورزان می‌تواند به‌طور چشمگیری افزایش یابد. کشاورزی قراردادی، بهره‌گیری از بیمه‌های مدرن کشاورزی و ارتباط مستقیم با بازارهای داخلی و خارجی، رفاه اقتصادی کشاورزان را بهبود می‌بخشد.

در مجموع بخش کشاورزی سنتی ایران با وجود نقش مهم در اقتصاد، به دلیل کمبود فناوری، بهره‌وری پایین و مشکلات زیربنایی با چالش‌های زیادی مواجه است، اما توسعه و پیاده‌سازی کشاورزی مدرن با افزایش بهره‌وری، صرفه‌جویی در منابع، ایجاد اشتغال باکیفیت و افزایش ارزش افزوده می‌تواند ایران را در مسیر دستیابی به تولید پایدارتر و رقابت‌پذیرتر در بازارهای جهانی قرار دهد. بخش خصوصی آماده است تا با سرمایه‌گذاری و نوآوری در این حوزه به تحول کشاورزی کشور کمک کند.

◆ **ایستادگی دولت در کنار کشاورزان و حمایت از بخش کشاورزی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟** اصولاً برنامه‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی چقدر هوشمندانه بوده و به خلق ثروت از کشاورزی کمک کرده است، یک برنامه هوشمندانه حمایتی از بخش کشاورزی کشور دارای چه مختصاتی است؟

برای آنکه تحقیقات علمی به شکل عملیاتی به دست کشاورزان برسد، باید همکاری نزدیک‌تری میان مراکز تحقیقاتی، دولت و بخش خصوصی برقرار شود. از سوی دیگر، تقویت سیستم‌های آموزشی و ترویج کشاورزی همراه با سرمایه‌گذاری مناسب در فناوری و نوآوری می‌تواند این فاصله را کاهش دهد و نتایج پژوهش‌ها را به کشاورزی عملی تبدیل کند.

فناوری‌های پایدار و نوین، مانند آبیاری قطره‌ای و استفاده از داده‌های اقلیمی باعث کاهش مصرف آب، بهبود سلامت خاک و کاهش استفاده از کود و سموم می‌شود. این رویکرد به مدیریت پایدار منابع و کاهش اثرات زیست‌محیطی کمک خواهد کرد.

#### ۴- ارزش افزوده و صادرات

• **وضع موجود:** بسیاری از محصولات کشاورزی ایران با ارزش افزوده پایین تولید می‌شوند و به‌طور عمده به‌صورت خام صادر می‌گردند. عدم وجود صنایع تبدیلی کافی و تکنولوژی‌های مدرن فرآوری، باعث هدررفت بسیاری از تولیدات می‌شود.

• **کشاورزی مدرن:** با توسعه کشاورزی مدرن، ظرفیت صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات کشاورزی افزایش می‌یابد. این موضوع منجر به تولید محصولات با ارزش افزوده بالا و افزایش توان رقابت در بازارهای جهانی می‌شود. بهبود کیفیت و بسته‌بندی محصولات نیز بازارهای جدیدی برای صادرات ایجاد می‌کند.

#### ۵- زنجیره تأمین و صنایع جانبی

• **وضع موجود:** زنجیره تأمین کشاورزی در ایران ناکارآمد است و زیرساخت‌های مناسب برای نگهداری و توزیع محصولات کشاورزی بهینه‌سازی نشده است. بسیاری از محصولات به دلیل نبود سیستم‌های مناسب لجستیکی و ذخیره‌سازی هدر می‌روند.

• **کشاورزی مدرن:** با توسعه زنجیره تأمین مدرن از جمله سردخانه‌ها، سیستم‌های حمل‌ونقل پیشرفته و مدیریت هوشمند انبارها می‌توان میزان هدررفت محصولات را به حداقل رساند. این امر منجر به بهبود بهره‌وری در کل زنجیره و افزایش بازدهی اقتصادی خواهد شد.

#### ۶- درآمد کشاورزان و رفاه اقتصادی

• **وضع موجود:** درآمد کشاورزان در کشاورزی سنتی اغلب ناپایدار و تحت تأثیر نوسانات قیمت محصولات و شرایط آب و هوایی است. بسیاری از کشاورزان در مناطق محروم



#### ۴- فقدان رویکرد بازار محور

برنامه‌های حمایتی دولت غالباً بازار محور نیستند و به نیازهای واقعی بازار و ظرفیت‌های صادراتی توجه کافی نمی‌کنند؛ به‌عنوان مثال، حمایت از تولید برخی محصولات که در بازار داخلی یا جهانی تقاضای کمتری دارند، بدون در نظر گرفتن روندهای تجاری و صادراتی، منجر به تولید اضافی و کاهش قیمت‌ها می‌شود که خود موجب آسیب به کشاورزان است.

۵- ضعف در تأمین مالی و دسترسی به تسهیلات یکی دیگر از مشکلات، ناکافی بودن تسهیلات مالی و اعتباری برای کشاورزان است. بسیاری از کشاورزان به دلیل عدم دسترسی به منابع مالی مناسب، نمی‌توانند در فناوری‌های نوین یا بهبود زیرساخت‌های خود سرمایه‌گذاری کنند. تسهیلات موجود نیز بیشتر به کشاورزان بزرگ‌تر و توانمندتر اختصاص می‌یابد و کشاورزان کوچک اغلب از این منابع بی‌بهره‌اند.

#### ویژگی‌های یک برنامه هوشمندانه حمایتی

برای اینکه برنامه‌های حمایتی دولت هوشمندانه‌تر و مؤثرتر باشند و به خلق ثروت از کشاورزی کمک کنند، باید چند ویژگی کلیدی داشته باشند:

#### ۱. هدف‌گذاری دقیق و شفاف

برنامه‌های حمایتی باید به‌طور دقیق مشخص کنند که چه گروه‌هایی از کشاورزان (بر اساس اندازه مزارع، نوع محصولات، موقعیت جغرافیایی و سطح دسترسی به بازارها) نیازمند حمایت هستند. این هدف‌گذاری باید مبتنی بر داده‌های دقیق و تحلیل‌های اقتصادی انجام شود تا منابع به‌طور بهینه تخصیص یابد.

#### ۲. تمرکز بر پایداری بلندمدت

به‌جای تمرکز صرف بر حمایت‌های کوتاه‌مدت، باید برنامه‌هایی طراحی شود

که به افزایش بهره‌وری، بهبود زیرساخت‌ها، تقویت فناوری و آموزش نیروی کار کشاورزی کمک کند. این برنامه‌ها باید بلندمدت باشند و به کشاورزان کمک کنند تا استقلال مالی و توانایی مقابله با چالش‌های آینده را کسب کنند.

#### ۳. ارتباط نزدیک با بخش خصوصی

برای موفقیت برنامه‌های حمایتی، دولت باید از دانش و تجربه بخش خصوصی و فعالان کشاورزی استفاده کند. مشارکت بخش خصوصی در طراحی و اجرای برنامه‌ها می‌تواند به بهبود هدف‌گذاری و کارآمدی این برنامه‌ها کمک کند.

#### ۴. رویکرد بازار محور

برنامه‌های حمایتی باید با نگاه به بازارهای داخلی و جهانی طراحی شوند. حمایت از تولید محصولات استراتژیک که ظرفیت بالای صادراتی دارند، می‌تواند به توسعه کشاورزی و افزایش درآمد کشاورزان منجر شود. این رویکرد باید بر اساس تحلیل‌های بازار و پیش‌بینی تقاضا باشد.

#### ۵. تشویق نوآوری و فناوری

حمایت‌های دولت باید به سمت تشویق کشاورزان به استفاده از فناوری‌های نوین و پایدار، مانند آبیاری هوشمند، کشاورزی دقیق و سیستم‌های مدیریت پیشرفته، سوق داده شود. این امر می‌تواند به کاهش

در مجموع بخش کشاورزی سنتی ایران با وجود نقش مهم در اقتصاد، به دلیل کمبود فناوری، بهره‌وری پایین و مشکلات زیربنایی با چالش‌های زیادی مواجه است، اما توسعه و پیاده‌سازی کشاورزی مدرن با افزایش بهره‌وری، صرفه‌جویی در منابع، ایجاد اشتغال باکیفیت و افزایش ارزش افزوده می‌تواند ایران را در مسیر دستیابی به تولید پایدارتر و رقابت‌پذیرتر در بازارهای جهانی قرار دهد. بخش خصوصی آماده است تا با سرمایه‌گذاری و نوآوری در این حوزه به تحول کشاورزی کشور کمک کند.

هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری منجر شود.

#### ۶. تقویت زیرساخت‌ها

برنامه‌های حمایتی باید شامل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حیاتی مانند سیستم‌های آبیاری، حمل‌ونقل، ذخیره‌سازی و بسته‌بندی باشند. بهبود این زیرساخت‌ها می‌تواند به کاهش هدر رفت محصولات و بهبود دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی کمک کند.

۷. ایجاد دسترسی به منابع مالی و اعتباری مناسب دولت باید برنامه‌های تسهیل دسترسی به منابع مالی و اعتباری برای کشاورزان، بویژه کشاورزان کوچک و متوسط را تقویت کند. این تسهیلات باید به شکل هدفمند و بر اساس نیازهای واقعی کشاورزان ارائه شوند.

در مجموع، برنامه‌های حمایتی دولت تاکنون به‌طور کامل نتوانسته به خلق ثروت و توسعه پایدار بخش کشاورزی کمک کند. برای اینکه این برنامه‌ها هوشمندانه‌تر و کارآمدتر شوند، نیاز به تغییر رویکرد به سمت حمایت‌های هدفمند، پایدار، بازار محور و مبتنی بر نوآوری وجود دارد. بخش خصوصی آماده است تا با ارائه راهکارها و همکاری با دولت، به بهبود این برنامه‌ها و رشد پایدار کشاورزی در کشور کمک کند.

### ◆ در پایان چه نکاتی را لازم می‌دانید که اضافه فرمایید؟

نکات زیر را می‌توان به‌عنوان جمع‌بندی و توصیه‌های کلیدی در زمینه توسعه بخش کشاورزی و حمایت‌های دولتی مطرح کرد:

#### ۱- توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی

ضروری است که در سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی توجه ویژه‌ای به حفظ منابع طبیعی، بویژه آب‌و خاک شود. با تغییرات اقلیمی و فشارهای اقتصادی این منابع به‌سرعت در حال کاهش هستند و باید به‌طور پایدار مدیریت شوند.

#### ۲- تقویت نظام‌های اطلاعاتی و تحقیقاتی

ایجاد و تقویت نظام‌های اطلاعاتی و پژوهشی برای ارائه داده‌های دقیق و به‌روز به کشاورزان و تصمیم‌گیران بسیار مهم است. این اطلاعات می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های بهتری در زمینه کشت، بازار و مدیریت منابع کمک کنند.

#### ۳- حمایت از تحقیق و توسعه

سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D) و انتقال فناوری‌های نوین به کشاورزان باید در اولویت قرار گیرد. این امر به کشاورزان کمک می‌کند تا به روش‌های بهینه‌تر و کارآمدتری در تولید و مدیریت مزارع خود دست یابند.

#### ۴- تشویق به سرمایه‌گذاری‌های خصوصی

برای جذب سرمایه‌های بیشتر به بخش کشاورزی، دولت باید زمینه را برای ایجاد انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاران خصوصی فراهم کند. این شامل ارائه تسهیلات مالی، معافیت‌های مالیاتی و کاهش بوروکراسی می‌شود.

#### ۵- ترویج و آموزش کشاورزان

آموزش و ترویج بویژه برای کشاورزان کوچک و متوسط به‌منظور بهبود مهارت‌ها و آگاهی‌های آن‌ها از جدیدترین روش‌های کشاورزی و بازار بسیار حیاتی است. دولت باید با همکاری بخش خصوصی برنامه‌های آموزشی متنوع و کاربردی ارائه دهد.

#### ۶- افزایش مشارکت و گفت‌وگو با بخش خصوصی

ایجاد سازوکارهایی برای مشارکت فعال بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت برنامه‌ها و افزایش اثربخشی آن‌ها کمک کند. این امر همچنین باعث افزایش اعتماد و همکاری بین دولت و فعالان بخش کشاورزی خواهد شد.

#### ۷- توجه به زنجیره ارزش

توجه به زنجیره ارزش محصولات کشاورزی از تولید تا بازار باید در اولویت قرار گیرد. بهبود فرآیندهای توزیع، نگهداری و بازاریابی می‌تواند به کاهش هدر رفت و افزایش سودآوری کشاورزان کمک کند.

#### ۸- رصد و ارزیابی مداوم برنامه‌ها

برای اطمینان از موفقیت برنامه‌های حمایتی، نیاز به یک نظام رصد و ارزیابی منظم وجود دارد. این ارزیابی‌ها باید به‌صورت دوره‌ای انجام شده و نتایج آن‌ها به‌منظور بهبود برنامه‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

#### ۹- حمایت از تنوع تولیدات کشاورزی

تشویق به تنوع در تولیدات کشاورزی می‌تواند به افزایش تاب‌آوری کشاورزان در برابر نوسانات بازار و تغییرات اقلیمی کمک کند. تنوع محصولات همچنین می‌تواند به تأمین نیازهای بازار و افزایش درآمد کشاورزان منجر شود.

#### ۱۰- ترویج کشاورزی پایدار و ارگانیک

حمایت از کشاورزی پایدار و ارگانیک می‌تواند به حفظ محیط‌زیست و سلامت جامعه کمک کند. دولت باید با ارائه مشوق‌های لازم، این نوع کشاورزی را ترویج و حمایت کند. این نکات می‌تواند به‌عنوان راهکارهای کلیدی در راستای بهبود وضعیت بخش کشاورزی و تقویت حمایت‌های دولتی مورد توجه قرار گیرند و به رشد پایدار و توسعه این بخش مهم اقتصادی کشور کمک نمایند. ◆◆

